

گذری بلاغی بر بخش‌هایی از قرآن کریم

مؤلف:

دکتر فاضل السامرائی

ترجم:

محمد جهانگیر ناصحی



تهوین، مریوان، ۱۳۹۲



گذری بلاغی بر بخش‌هایی از قرآن کریم

مؤلف: سامرائی، فاضل، ۱۹۳۲، لمسات بیانیه فی نصوص من التنزیل، ۲۰۰۳.
 مترجم: جهانگیری اصل، محمد، ۱۳۶۵، گذری بلاغی بر بخش‌هایی از قرآن کریم.
 ویراستاران علمی: ۱- قاسم الیاسی ۲- سهیلا افضلی.
 ویراستاران فنی: ۱- جواد یوسفی ۲- آمنه ملازاده.
 ویراستار زبانی: نگار ملازاده.

طرح جلد: صفحه‌آرایی: نه‌وین داران

چاپ اول، ۱۴۰۰، نسخه، مریوان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۰-۰۰۰۰۰۰۰۰

انتشارات نه‌وین: کردستان، مریوان، انتهای خیابان مردوخ ۳۲۲۶۶۶۴ - ۰۸۷۵ - ۰۹۱۸۷۷۵۴۴۰۴

www.nawinbook.com

سرشناسه	سامرائی، فاضل صالح Sammarzadeh, Fazel Salih
عنوان قراردادی	لمسات بیانیه فی نصوص من التنزیل، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	گذری بلاغی بر بخش‌هایی از قرآن کریم / مؤلف: فاضل صالح سامرائی، مترجم: محمد جهانگیری اصل.
مشخصات نشر	مریوان: نه‌وین، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۲۵۶ ص.
شابک	۱۲۰،۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۱۴-۸-۳۰
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
موضوع	قرآن -- مسائل لغوی
شناسه افزوده	جهانگیری اصل، محمد، ۱۳۶۵، مترجم
رده بندی کنگره	۲/۸۲BP کس ۸۰۴۱ ل ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	۱۵۳/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	۳۳۹۱۸۳۲

قیمت: ۱۲.۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

اشنویه: کوچه ۱۲ متری شهرداری، مجتمع سلطانی، کتابفروشی احسان ۰۴۴۴۵۶۳۱۵۹۰ - ۰۹۱۴۹۴۲۱۷۴۷

سنندج: چهارراه شهدا، پاساژ عزتی، کتابسرای امام غزالی ۰۸۷۱۲۲۵۶۱۰۰

تقدیم به:

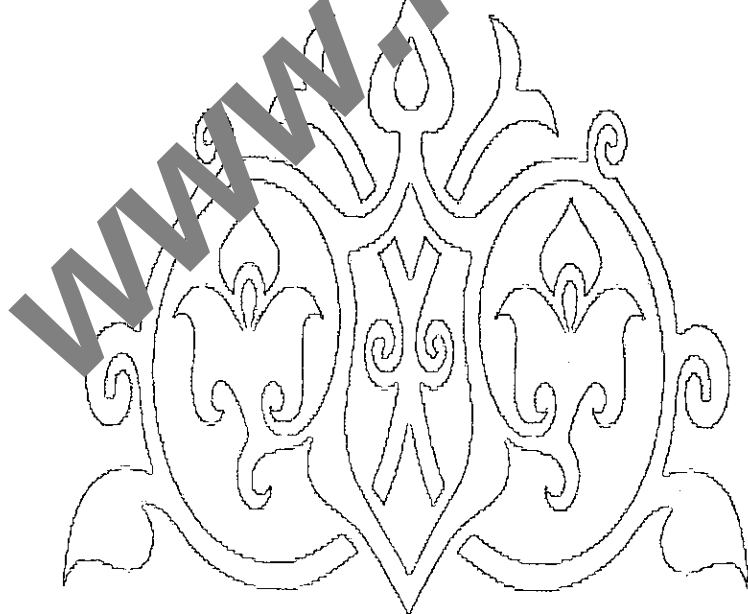
گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه های

علامه طباطبائی و

خوارزمی تهران؛

که زبان قرآن را

حفظ استید که الله در شان فرا گرفتیم.



فهرست مطالب

۷.....	مختصری از زندگانی مؤلف
۹.....	پیشگفتار مؤلف
۱۵.....	سخن مترجم
۱۷.....	نگاهی بلاغی بر سوره‌ی فاتحه
۴۷.....	نگاهی بلاغی بر «آیه الكرسي»
۵۷.....	نگاهی بلاغی بر مسأله‌ی «إسراء و معراج»
۷۳.....	گذری بلاغی بر سوره‌ی «كهف»
۸.....	نگاهی بلاغی بر دو سوره‌ی «نمل و قصص»
۱۰۹.....	گذرهایی بلاغی بر وصیت‌های لقمان حکیم به فرزندش
۱۲۵.....	گذری بلاغی بر سوره‌ی «قمر»
۱۲۹.....	گذر بلاغی بر دو سوره‌ی «طور و قلم»
۱۳۱.....	نگاهی بلاغی به دو سوره‌ی «المعارج و القارعة»
۱۳۵.....	گذرهایی بیانی بر سوره‌ی «المنافقون»

- گذری بلاغی بر سوره‌ی «لیل»..... ۱۴۹
- نگاهی بلاغی به سوره‌ی «البلد»..... ۱۷۷
- نگاهی بلاغی به سوره‌ی «والضحی»..... ۲۰۵
- نگاهی بلاغی به سوره‌ی «التین»..... ۲۱۹
- نگاهی بلاغی به سوره‌ی «الکوثر»..... ۲۳۷
- نگاه بلاغی به سوره‌ی «الناس»..... ۲۴۹

www.ketab.ir

مختصری از زندگی مؤلف

ایشان فاضل بن صالح بن سهری السامرائی، متولد ۱۹۳۲ م از عشیره‌ی «آل بدری» یکی از عشایر مشهور سامراء است. دوران کودکی را در سامراء سپری نمود و از همان ابتدا در مساجد، قرآن کریم را فرا گرفت. دوران ابتدایی و دبیرستان را در سامراء سپری نمود، و سپس در سال ۱۹۵۲ به بغداد رفت. دوران تدریس معلم را سپری نماید. بعد از اینکه به استخدام آموزش و پرورش درآمد، سال ۱۹۵۵ در دانشسرای عالی بغداد در مقطع کارشناسی زبان و ادبیات عربی فارغ التحصیل شد؛ سپس در دانشگاه بغداد موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد گردید، تا اینکه سال ۱۳۶۸ در دانشگاه عین الشمس قاهره در مقطع دکتری فارغ التحصیل گردید. سپس به بغداد بازگشت و ضمن تدریس صرف و نحو در دانشگاه بغداد ریاست دانشکده‌ی «الدراسات الإسلامية» را بر عهده گرفت. بعد از طی نمودن مراحل علمی، سال ۱۹۷۹ به درجه‌ی استاد تمام نایل گردید. در همان سال دانشگاه «الکویت» وی را به عنوان استاد نحو از دانشگاه بغداد به عاریه گرفت. سپس به عراق بازگشت تا اینکه در سال ۱۹۹۸ بعد از حدود ۴۰ سال تدریس بازنشست شد که در سال ۱۹۹۹ دانشگاه «الشارقة»ی امارت وی را به عنوان استاد نحو و بلاغت قرآنی استخدام نمود، و هم اکنون هم مشغول تدریس در این دانشگاه می‌باشند.

جایگاه علمی استاد:

دکتر فاضل السامرائی یکی از مشاهیر برجسته و نظریه پرداز زبان و ادبیات عرب می باشند و با رویکرد وسبکی جدید به نحو و بلاغت عربی می نگرند. که با مطالعه این کتاب با آن آشنا خواهید شد. اکثر تألیفات ایشان در همین زمینه هستند که عبارت اند از:

۱. نداء الروح في الإيمان بالله واليوم الآخر.
۲. نبوة محمد من الشك إلى اليقين.
۳. التعبير القرآني.
۴. لمسات بيانية في نصوص من التنزيل.
۵. الجمال العربي.
۶. على طريق البيان.
۷. الجملة العربية وسعني.
۸. أسرار البيان القرآني.
۹. معاني النحو.
۱۰. معاني الأبنية في العربية.
۱۱. أسئلة بيانية في القرآن الكريم.
۱۲. بلاغة الكلمة في التعبير القرآني.
۱۳. تحقیقات نحویة.
۱۴. الدراسات النحوية واللغوية عند الزمخشري.
۱۵. أبو البركات ابن الأنباري ودراساته النحوية.
۱۶. ابن جني النحوي.
۱۷. دراسة المتشابه اللفظي من آي التنزيل في كتاب ملاك التأويل.
۱۸. برنامه ی «لمسات بيانية» در شبکه ی تلویزیونی «الشارقة»ی امارات که بصورت زنده هفتگی پخش می شود.

پیشگام مؤلف

پروردگارا؛ حیرت و شایسته‌ی توست، همانگونه که شایسته‌ی عظمت و قدرت توست. این کتاب مجموعه‌ای از تورات و قرآن کریم است و در بخش‌هایی از آن، سؤال‌هایی از راز و رمزهای تعابیر بلاغی وجود دارد که آنها را از سوره‌های مختلفی انتخاب کرده‌ام تا توانسته باشم گوشه‌ای از جلوه‌های بلاغی و شایسته‌ی توست موجود در این آیات را آشکار سازم.

امید است که مورد استفاده‌ی محققان قرار گیرد و همچنین بعد از کتاب «التعبیر القرآنی» گامی باشد برای بیان اسرار کتاب بزرگ و حیران‌پروردگار.

بعضی‌ها بعد از آگاهی از کتاب «التعبیر القرآنی» می‌گویند: کاش نام آن را «الاعجاز القرآنی» می‌گذاشتی. در جواب گفتم: این عنوان در حد من است و من نمی‌توانم اعجاز قرآن و یا حتی بخشی از آن را بیان کنم. کتاب «التعبیر القرآنی» تنها تحقیقی است که گوشه‌ای از اسرار تعابیر قرآنی را که شگفتی‌های آن پایان‌ناپذیرند، بیان می‌کند.

این کتاب و کتاب «التعبیر القرآنی» صرف قدم برداشتن در راه بیان اعجاز قرآن نیست، بلکه گامی است که ممکن است سالک را به مسیر اعجاز قرآنی یا بخشی از آن برساند.

اعجاز قرآن، دارای بخش‌ها و رویکردهای متعددی است و شاید بتوان گفت اینکه شخص و یا حتی گروهی در یک برهه از زمان بخواهند به بیان کامل اعجاز قرآن بپردازند، امری غیرممکن به نظر می‌رسد، آنها هر قدر هم از علم و آگاهی وسیع و تخصص‌های گوناگون

برخوردار باشند، می‌توانند تنها از گوشه‌ای از اسرار تعابیر قرآنی در بخش‌های مختلف تا زمان خودشان پرده بردارند و برای کسانی که در آینده و بعد از ما می‌آیند، همچنان زمینه‌ی نظر دادن درباره‌ی اسرار قرآن و مسایل جدید آن وجود دارد. نسل‌های آتی به آثاری از اعجاز و نشانه‌های قرآن پی خواهند برد که به ذهن ما خطور نکرده است.

من مثال‌هایی را مبنی بر متعدد بودن بخش‌های اعجاز قرآن ذکر می‌کنم که از اشخاصی شنیده‌ام که در حوزه‌ی قانون تخصص دارند و اعجاز قانونی قرآن را تبیین و بررسی می‌کنند و به بیان دقت موجود در الفاظ قانونی قرآن می‌پردازند و نتایج بررسی‌های آنان نهایت دقت در این باب حکایت دارد. الفاظی که نمی‌توان لفظ دیگری جایگزینشان کرد و انتخاب آنها در جای خاص خود خیلی دقیق‌تر و فراتر از آن چیز است که ما در گزینش‌های علمی و فنی زیباشناسی ذکر می‌کنیم.

همچنین از برخی اشخاص که در زمینه‌ی علوم آناتومی و طبی تخصص دارند، در مورد بخش‌هایی از اسرار تعابیر قرآنی که مثال‌های مطالبی خوانده و شنیده‌ام که دقت موجود در آنها فراتر از چیز است که در علم بلاغت و خوانیم و الفاظ آن در نهایت دقت علمی انتخاب شده‌اند. برای مثال، مسایلی که قرآن کریم در رده‌ی مراحل رشد جنین در رحم ذکر کرده است که علم در آن به چیزهایی دست یافته که در قرن گذشته ناشناخته بودند و باعث شده دانشمندان غیر مسلمان اسلام بیاورند. علاوه بر این تعابیری همچون «علقة» و «مضغة» جزء شگفت‌ترین اعجازهای علمی هستند. لفظ «علقة» برای خاص خود را دارد. مخلوق در این مرحله شبیه‌ترین چیز به «علقة» است که همان تافه‌ی معروف می‌باشد. همچنین لفظ «مضغة» به معنای قطعه گوشتی است به اندازه‌ای که جوجه می‌جود. اما دلیل انتخاب این کلمه این است که «مضغة» قطعه گوشت جویده شده‌ای است که دندان‌ها آن را جویده‌اند و علم جدید ثابت کرده است که جنین در این مرحله یک قطعه گوشت عادی نیست. بنابراین انتخاب این لفظ یک انتخاب دقیق علمی است که اگر به جای

آن می‌گفت «قطعة لحم صغيرة»، باز ظاهراً معنا درست از آب در می‌آمد، اما چرا گفته «مضغة»؟ شاید به دلیلی که ذکر شد و یا به دلایل دیگری باشد. (والله اعلم).

دقیق‌ترین اخبار و دستاوردهای علم تاریخ و نتایج حفاری‌های جدید را در مورد «ذوالقرنین» مطالعه کرده‌ام و در نهایت به این نتیجه رسیدم که اکتشافات مورخان و باستان‌شناسان با آنچه که در قرآن کریم آمده است، واو به واو مطابقت دارد. این در حالی است که تا یک قرن پیش هم، این مسایل هنوز کشف نشده بود.

در باب انتخاب برخی کلمات تاریخی در قرآن مانند: «عزیز» و «ملک» در قصه یوسف، و کلمه «فرعون» در قصه موسی مطالعه کردم و متوجه شدم که این تعبیر چقدر دقیق هستند؛ برای مثال «عزیز» دقیق‌ترین ترجمه برای کسی است که در آن زمان این منصب را داشته است. مصریان پادشاهانی که در مصر بر آنها حکومت می‌کردند در اینکه اصالتاً مصری هستند یا غیر مصری تفاوت قائل می‌شدند. پادشاهی را که مصری الاصل نبود، «ملک» می‌نامیدند و مصری الاصل را «فرعون». بر این اساس پادشاهی که در زمان حضرت یوسف بر مصر حکومت می‌کرد، مصری الاصل نبود، بلکه اصالتاً اهل «هکسوس» بود، در نتیجه او را «ملک» نامیدند. اما آن کسی که در زمان موسی بر مصر حکومت می‌کرد، اصالت مصری داشت، پس او را «فرعون» نامیدند. بنابراین، هر کدام از این نامگذاری‌ها بر معنای خاص خود دلالت داشته است.

در خلال تحقیقاتم دریافتم که نشانه‌های اعجاز در علوم مختلف، از اسرار دریاها، فشار جوی، وسعت جهان و آغاز خلقت باعث شده است تا بسیاری از مفاهیم علمی به اسلام روی آورند.

تا قبل از اینکه انسان به فضا صعود کند، بسیاری از مسایل ناشناخته بود، از جمله اینکه انسان وقتی پوشش جوی زمین را شکافت و خود را در تاریکی مطلق و شبی بی‌پایان دید و از خورشید خبری نبود، متوجه شد که مفاهیم شب و روز فقط در زیر پوشش جوی معنا

دارند و زمانیکه از این پوشش جوی تجاوز کنیم، از روز و روشنایی خورشید خبری نیست. این درحالی است که قرآن در نهایت شگفتی به آن اشاره نموده است:

(وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ) [یس / ۳۷]

روز را مانند پوستی قرار داده است که سلاخی می‌شود، اما شب همان اصل است.

و در جایی دیگر می‌فرماید:

(وَلَوْ أَنَّا عَمِلْنَا بِآبَاءِ مَنْ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ * لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ) [حجر/ ۱۴ و ۱۵]

این آیات اشاره دارد به اینکه اگر به انسان‌ها توانایی صعود به آسمان داده می‌شد، به تاریکی می‌رسیدند. «دیدگان ما فرو بسته شده است».

در نتیجه اعجاز قرآن و کردها متفاوتی دارد و انسان‌ها همواره بسیاری از نشانه‌های اعجاز آن را کشف می‌کنند. پس بی‌حجب نیست اگر بگوییم اعجاز، فراتر از آن است که شخص یا گروهی بخواهند در یک زمانی آن پیردازند.

یک تعبیر واحد، علاوه بر اعجاز زبانی و زیباشناسی، ممکن است از اعجاز علمی، تاریخی، روانشناسی، تربیتی، قانونی و... نیز برخوردار باشد. برای مثال یک زبان‌شناس در پی تبیین نشانه‌های اعجاز زبانی قرآن است که امکان جایگزینی کلمات به جای کلمه‌ی دیگر، یا تقدیم آنچه مؤخر آمده، یا تأخیر آنچه مقدم آمده، یا تأکید آنجا که تأکید ندارد و بالعکس، وجود ندارد.

قانون‌شناس نیز در پی آن است که چنین مسائلی را از نقطه نظر قانون‌شناسی بیان کند. و مورخ نیز به دنبال آن است که مانند آن را از منظر تاریخ تبیین نماید. بنابراین صاحب هر علمی به دنبال آن است که مانند این مسائل را از دیدگاه علمش بیان کند.

هدف ما این است که به گوشه‌ای از جایگاه هنر و زیباشناسی در این تعبیر هنری والا و عظمت آن اشاره کنیم و بیان کنیم که هیچ انسانی هرگز نخواهد توانست مطابق این تعابیر را

بیاورد. همچنین نمی‌گوییم جایگاه اعجاز و یا بخشی از آن، همین است، بلکه اینها نشانه‌هایی هستند که به آنها دست می‌آویزیم و چراغ‌هایی هستند که در مسیر قرار داده می‌شوند که سالک را راهنمایی می‌کنند، چرا که قرآن، کلامی هنری و هدفمند است و تارهای آن دقیق و محکم و بی‌نظیر بافته شده است.

(فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ) [طور/۳۴].

اما شایسته اعجاز، فراتر و بلیغ‌تر از چیزی است که ما وصف می‌کنیم و عجیب‌تر از چیزی است که در آن در شگفتیم. همانا این کتاب مقدس، از عرش الهی نازل شده است و اسرار و اعجازهایی را آشکار می‌کند که اگر دنیا پایان پذیرد، آن اسرار هرگز پایان نمی‌پذیرند.

ممکن است به تصور رسیدن سخنان ما مبالغه و ادعا وجود دارد و یا ناشی از عاطفه‌ی دینی است، البته نمی‌توانیم بگوییم که این تصور منع کنیم، اما اگر پرده‌های تاریکی، کنار روند و چراغ خاموش، روشن گردد، نفع‌های از روح ذات اقدس را حس کند و بر وادی نفس، نسیمی از عالم روح برآید، صدیقی پدید شود که وجود را از دور و از ملامت اعلیٰ پر کند و بگوید:

(الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ مَا تَكُنُ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ شُرَكَّاءُ) [حدید/۱۶].
(وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ) [قمر/۱۷].

آن وقت است که موها بر بدن سیخ می‌شوند و پوست رنگ می‌بازد و قلب به تپش می‌افتد و اعضای آرام بدن به حرکت در می‌آیند و مضطرب و پریشان می‌گردند و سبک‌بختی‌های قلبی که از خشکی بی‌رمق شده، سیلابی به راه می‌اندازد که چرخ‌ها را شست و قلب را سیراب می‌گرداند و مردگان را زنده می‌کند. پس آن هنگام، طعم آنچه را که درک نمی‌کردید، می‌چشید و آنچه را که اشاره کردیم بهتر درک می‌کنید. اما من چگونه شما را به این حقیقت برسانم در حالیکه خودم دستم کوتاه است؟! (لا حول و لا قوة إلا بالله).

مسایلی که در این کتاب مطرح می‌شوند، تنها قطره‌ای از دریای بی کران علم الهی است. باشد که خداوند بدین وسیله به رهرو این مسیر سود برساند و او را در تاریکی راه حفظ کند و این کتاب را مایه‌ی دعوت قرار دهد تا در صحنه‌ی قیامت به داد ما برسد.

در پایان، شما را به آنچه رسول الله (ص) به یارش ابوذر توصیه کرده است، وصیت می‌کنم. امید است آن را به فراموشی نسپارید، بلکه همواره آن را با خود زمزمه کنید:

وَأَحْكَمْ السَّفِينَةَ فَإِنَّ الْبَحْرَ عَمِيقٌ وَخَفَّفَ الْحَمْلَ فَإِنَّ الْعَقْبَةَ لَوُودٌ
وَأَسْرَ الزَّادَ فَإِنَّ السَّفَرَ طَوِيلٌ وَأَخْلَصَ الْعَمَلَ فَإِنَّ النَّاقدَ بَصِيرٌ

«ای ابوذر! کشتی را محکم کن که دریا عمیق است. و بار را کم کن، چون گردنه‌ی (دعوت) صعب‌العبور است و توشه را زیاد کن، زیرا سفر طولانی است. و عمل را خالص گردان، چرا که ناقد (الله) بصیر است.»

سخن مترجم

حمد و سپاس مخصوص پروردگاری است که بر پیامبرش کتابی نازل کرد تا با همآوردخواهی مانتا طلبش، زبان را در کام سخنوران بلیغ عرب، فرو نشاند و بر اساس حکمتش، رازهای پند و پروری و بلاغت و فصاحت در کلام را به وی عطا فرماید و خوشبختی جاودانه را مخصوص جوندگان حکمت‌هایش سازد.

علم بلاغت در میان دانش‌ها دارای جایگاهی منحصر به فرد است چرا که بلاغت، علمی است برگرفته از قرآن کریم که حقیقت‌های آن را بیان می‌دارد و از راز و رمزهای نهفته در آن پرده بر می‌دارد و نشانه‌های اعجاز را بر می‌راند. بنابراین اگر نگاهی ادیبانه به قرآن داشته باشیم متوجه خواهیم شد که این کتاب آسمانی در نهایت ادبیات نگاشته شده، چرا که ادیب، پروردگار متعال است. در نتیجه، تأمل در اسرار بانی قرآن ما را به اسراری می‌رساند که در هیچ کتاب ادبی دیگری یافت نمی‌شود.

این دیدگاه زبان‌شناسانه و ادیبانه به قرآن کریم، مترجم را واداشته تا به طلب تفاسیر و کتبی در زمینه ادبیات قرآن بپردازد. از جمله آثاری که در این زمینه توجه مرا به خود جلب کرد، مجموعه کتاب‌های دکتر فاضل السامرائی بود که در حقیقت توانسته با شیوه‌ای ابداعی گوشه‌ای از این اسرار را بیان دارد. دقت و تأمل ایشان در تعبیر قرآنی و خلق آثاری بدیع در زمینه بلاغت این کتاب آسمانی مرا واداشت تا با ترجمه‌ی کتاب «لمسات بیانیة فی نصوص من التزیل»، این نکات ظریف قرآنی در اختیار هموطنانم قرار دهم.

در پایان لازم می‌دانم که از جناب آقای دکتر حمیدرضا میرحاجی عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تهران نهایت تشکر و قدردانی داشته باشم، چرا که در کلاس‌های درس ایشان پنجره‌های جدیدی در دیدگاه‌های علمی دانشجویان به کلام الهی و صاحب نظران تفسیر بلاغی قرآن باز شد.

همچنین از آقایان: حمزه شیخه‌پور، رضا خدامرادی، جلال جلفا و خانم‌ها: شکوفه بایزیدی و نگار ملازاده که در امر ترجمه‌ی این کتاب، حقیر را یاری فرمودند، سپاسگزارم و از خداوند تعالی توفیق خوانندگان محترم را خواستارم.

تردید نیست که ترجمه‌ی حاضر خالی از نقص نیست و امید است که خوانندگان دلسوز، با انتقادهای و روش‌های سازنده، مترجم را در رفع اشکالات یاری فرمایند.

محمد جهانگیری اصل